

از کثرت بداهت!

پروانه عروج نیا

بازتاب

در پاسخ به «پاسخ نقد عبدالکریم جیلی و رمان انسان کامل» ابتدا لازم است به چند نکته کلی اشاره کنم؛ اولاً، مترجمان تصوف چیست؟ از کم حوصلگی بنده گله کرده‌اند که چرا قبل از نوشتن نقد، از آنها «درباره چگونگی ترجمه و مشکلات سر راه...» جویا نشده‌ام. پروضح است که وقتی کتابی به نام فرد یا افرادی منتشر می‌شود، هر ناقدی با متن کتاب روبه‌روست و نقد وی متوجه آن است، نه ماجرای پس پرده انتشار کتاب.

ثانیاً، مترجمان (دکتر مهدی زاده و دکتر شنکایی) در ۵ مورد از ۱۲ مورد پاسخشان (شماره‌های ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۱) با استناد به دست نوشته‌ای که فقط نزد خودشان است، مسئولیت اغلاط را به گردن ناشر یا ویراستاران گذاشته‌اند. واضح است که مسئولیت ترجمه هر کتابی که منتشر می‌شود در وهله اول به عهده کس یا کسانی است که نامشان به عنوان مترجم روی جلد کتاب اعلام شده است و در وهله دوم ویراستار و ناشر. این کتاب نیز در شناسنامه خود تنها نام دو مترجم را دارد و در آن هیچ ذکری از ویراستار یا ویراستاران نشده است. مابقی حکایت هم ربطی به ناقد ندارد و ناشر خود باید پاسخگوی ادعای مترجمان باشد.

ثالثاً، بخش تأسف آور و شگفت‌انگیز قضیه، این جمله مترجمان در مقدمه پاسخ به نقد بنده است که «مسلماً پاسخگویی به همه مطالب ایشان [ناقد] ضرورتی ندارد و از حوصله مترجمان خارج است» باید متذکر شد که این مطلب به قول مترجمان «از کثرت بداهت!» بی‌نیاز از توضیح است که هر انسان منطقی و با وجدان اگر مطلبی را حق می‌داند ضرورت دارد از آن دفاع کند و اگر باطل می‌شمرد ضرورت دارد که آن را رد کند. بنابراین پاسخ نقد باید به طور کامل و به صورت علمی و با ارائه مدارک همراه می‌شود. عجیب آن که مترجمان، وجود اغلاط را در ترجمه‌های قرآن مجوز اغلاط ترجمه خودشان شمرده‌اند و باز بی‌اعتنا به اشکالات ترجمه‌شان، نوشته‌اند «ایشان [= ناقد] در برگزیدن هریک از دو ترجمه آزادند. لطف ایشان موجب سپاسگزاری است که اجازه دادند ناقد ترجمه‌ای را که حدود ۶۰۰ غلط در آن یافته (با توجه به ۶۰ غلط در ده صفحه انتخابی) بپذیرد!

به هر حال مترجمان محترم ترجیح داده‌اند از ۶۰ اشکال ناقد فقط به ۱۳ مورد پاسخ گویند، البته پنج مورد را بر عهده ویراستاران کتاب نهاده و در واقع به ۸ مورد پاسخ گفته‌اند. اما درباره پاسخهای ایشان:

- ۱- در پاسخ به شماره ۳، مترجمان مدعی شده‌اند که prayer در متون عرفانی به معنای ذکر به کار رفته است، خوب بود تنها یک کتاب یا یک نظر از اسلام‌شناسان غربی را به عنوان شاهد مدعای خویش ذکر می‌کردند.

- ۲- در پاسخ به شماره ۴، در این شماره اشکال ناقد را پذیرفته‌اند ولی به ترجمه ناقد (عرفان اسلامی چیست؟) ایراد گرفته و نوشته‌اند که Ocean به معنای دریا نیست. اولاً این واژه به معنای دریا هم هست، ثانیاً در متن عربی دعای ابن عربی کلمه «بحر» به کار رفته

است.

- ۳- در پاسخ به شماره ۵، مترجمان اشکال را متوجه نشده‌اند و گمان کرده‌اند که کلمه «غایت» مورد اشکال بوده، در حالی که در ترجمه آنها یک جمله به کلی حذف شده است.

- ۴- در پاسخ به شماره ۶، مترجمان قبول نکرده‌اند که ترکیب «تجلی وحی» نادرست است. برای اطلاع باید گفت که تجلی دو گونه است: یکی کلامی که به آن وحی می‌گویند، آنچنان که در دین اسلام و یهود وجود دارد و دیگری غیر کلامی که به آن اصطلاحاً انکشاف (= incarnation) می‌گویند که در مسیحیت وجود دارد. بنابراین وحی یکی از اقسام تجلی است، لذا ترکیب تجلی وحی غلط است و درست این است که بگوییم تجلی وحیانی.

- ۵- در پاسخ به شماره ۷، مترجمان مدعی شده‌اند که «بیکرانگی اسم مصدر است که گاه در مقام صفت قابل استعمال است». باید گفت چنین قاعده‌ای در زبان فارسی وجود ندارد و اگر منظورشان «دریای بیکرانگی» است باید متذکر شد که این یک ترکیب اضافی است نه وصفی. و البته ادعای «قابل استعمال»! بودن اسم مصدر در مقام صفت، با توجه به اغلاط دستوری دیگر در پاسخ‌نامه مختصر (مترجمان به ناقد) دور از انتظار نیست.

- ۶- در پاسخ به شماره ۱۰، در اینجا هم مترجمان به علت مقابله نکردن ترجمه خودشان با متن اصلی متوجه اشکال وارده نشده‌اند. اصولاً اشکال اصلی کتاب تصوف چیست؟ عدم مقابله ترجمه با متن اصلی بوده است.

- ۷- در پاسخ به شماره ۱۲، مترجمان «چندان شکی نمی‌توان داشت» را با «ظن کمی وجود دارد» یکی شمرده‌اند، در حالی که از لحاظ مفهومی چندان شکی نمی‌توان داشت یعنی کمابیش یقین داریم که... و «ظن کمی وجود دارد» یعنی به هر حال شک وجود دارد. بنابراین در جمله اول شک در مورد موضوع بحث نفی شده در حالی که در مطلب دوم ظن اثبات شده است.

- ۸- در پاسخ به شماره ۱۳، درباره واژه Cumulative مترجمان گرامی را دعوت می‌کنیم تا به فرهنگ معاصر هزاره (انگلیسی - فارسی) تألیف دکتر علی محمد حق شناس چاپ ۱۳۸۰ مراجعه کنند. در جلد اول، صفحه ۳۴۵ اولین معنای معادل این واژه «فزاینده» است. مترجمان در پایان مقاله‌شان نوشته‌اند که ناقد بسیاری از ۶۰ مورد را بدون توجه به سیاق عبارت یا بدون درک معنای درست لغات و کلمات انتقاد کرده‌اند.

در پاسخ باید گفت که تمامی ۶۰ مورد ذکر شده در مقاله اینجانب با آوردن عین جملات از دو ترجمه مذکور و متن اصلی انگلیسی و ذکر موارد اشکال به طور واضح و مستدل بوده است و هر خواننده آگاهی انتظار دارد که پاسخ به آنها هم واضح و مستدل و به دور از کلی‌گویی باشد.

نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان

گر شمارانه بس این سود و زیان ما را بس